

پیش‌بینی گرایش به طلاق و احساس تنهایی بر اساس سبک‌های دلبستگی با توجه به نقش میانجی‌گری خودمتمایزسازی

سحر صمدی کاشان^۱، فاطمه جعفری^۲، عبدالباسط محمود پور^۳، سوگند قاسم‌زاده^۴

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۷

هدف: هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی احساس تنهایی و گرایش به طلاق بر اساس سبک‌های دلبستگی با توجه به نقش میانجی‌گری خودمتمایزسازی بود. **روش:** روش پژوهش حاضر توصیفی و طرح آن از نوع طرح‌های همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر است. جامعه پژوهش شامل کلیه زوج‌ها متقاضی طلاق بوده‌اند که در بازه زمانی مرداد ماه تا پایان آبان ماه ۱۳۹۵ به شعب ۶ و ۷ و ۸ دادسرای شهرری و شعبه اجرای احکام مراجعه داشتند. نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس احساس تنهایی (راسل، ۱۹۹۶)، پرسشنامه خودمتمایزسازی (اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳)، مقیاس میل به طلاق (جانسون و مورو، ۱۹۸۶) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسال (کولینز و رید، ۱۹۹۰) بودند. تحلیل یافته‌ها با استفاده تحلیل معادلات ساختاری انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد بین سبک‌های دلبستگی با احساس تنهایی و گرایش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). همچنین بین خودمتمایزسازی با احساس تنهایی و گرایش به طلاق رابطه

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، ایران.

۳. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران.

۴. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه

تهران، ایران. S.Ghasemzadeh@ut.ac.ir

معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). در نهایت سبک‌های دلبستگی به واسطه خودمتمایزسازی، قادر به پیش‌بینی احساس تنهایی و گرایش به طلاق است. نتیجه‌گیری: داده‌های پژوهش با الگوی پیشنهادی برازش کامل دارد به طوری که خودمتمایزسازی، در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با احساس تنهایی و گرایش به طلاق، نقش واسطه‌ای معنی داری را ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: احساس تنهایی، سبک‌های دلبستگی، خودمتمایزسازی، طلاق

مقدمه

طلاق یک زخم اجتماعی و شوک عاطفی در دوره بزرگسالی محسوب می‌شود. امروزه گسترش آمار طلاق و ازدواج‌های شکست خورده در جامعه مدرن، پدیده‌ای اجتماعی با نسبت جهانی محسوب می‌شود (میو و سیکا^۱، ۲۰۱۵). طلاق آثار زیانباری دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به سرخودگی اجتماعی، افسردگی، احساس یاس، انزواگزینی و احساس تنهایی^۲ اشاره کرد (خسروی، صباحی و ناظری، ۱۳۹۳). تحقیقات نشان داده یکی از عوامل مرتبط با جدایی زوج‌ها، احساس تنهایی می‌باشد (وودوارد، زیبایی و دی کاستا^۳، ۱۹۸۱). احساس تنهایی را می‌توان نارسایی و ضعف محسوس در روابط بین فردی دانست (امانی، یوسفی و احمدی، ۱۳۹۲) که در آن فرد، فقدان روابط با دیگران را تجربه می‌کند و شامل عناصر اصلی و مهمی مانند احساس نامطلوب فقدان یا از دست دادن همدم، جنبه‌های ناخوشایند و منفی روابط از دست رفته و از دست دادن روابط با دیگری است (دی‌یانگ گیروولد و کامفویز^۴، ۱۹۹۸). تنهایی یک حالت نارضایتی از کیفیت و کمیت روابط است و به عنوان یک احساس دردناک مربوط به نیازهای برآورده نشده برای صمیمیت در نظر گرفته می‌شود (آلی^۵، ۲۰۱۱). در سال‌های اخیر برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که افراد ممکن است حتی پس از ازدواج و تشکیل زندگی

1. Mucaj, A. & Xeka, S.
2. Loneliness.
3. Woodward, J. C., Zabel, J., & DeCosta, C.
4. De Jong Gierveld, J., & Kamphuis, F.
5. Ali, K. Q.

مشترک احساس تنهایی کنند (تورن استام^۱، ۱۹۹۲). این احساس تنهایی سبب آسیب زدن به رابطه زوج‌ها می‌شود (روکاچ^۲، ۲۰۰۴). گاتمن^۳ (۱۹۹۴؛ به نقل از سگرین، پاول، گیورترز و بواکین^۴، ۲۰۰۳) تنهایی در زندگی زناشویی را به عنوان یک همبسته کناره‌گیری از ارتباط توصیف می‌کند در زمانی که زوج‌ها دیگر احساس نمی‌کنند که رابطه آن‌ها ارزشمند است؛ بنابراین علاوه بر آنکه احساس تنهایی یکی از آثار طلاق است از آنجا که یکی از دلایل احساس تنهایی، ساختار ناسازگار خانواده است، می‌تواند زمینه را نیز برای جدایی زوج‌ها فراهم کند. در این راستا، روکاچ و لیگنیرس^۵ (۲۰۱۵) و وودوارد و همکاران (۱۹۸۱) در نتایج تحقیقات خود نشان دادند احساس تنهایی می‌تواند زمینه ساز نارضایتی از زندگی مشترک و در مواردی جدایی زوج‌ها گردد.

از عواملی که با احساس تنهایی و طلاق رابطه دارد، سبک‌های دلبستگی^۶ است (وایس، ۱۹۷۳^۷). دلبستگی مفهومی است که به ارتباط تاثیرگذار بین فردی که عملکرد افراد را از لحاظ هیجانی پیش بینی می‌کند اشاره دارد ویژگی‌های این ارتباط شامل حمایت، اعتماد، تحمل کردن و پذیرش است (امان الهی، کریم زاده نگاری و اصلانی، ۱۳۹۴). دلبستگی پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاص در زندگی خود داریم و باعث می‌شود از تعامل با آن‌ها لذت ببریم و در مواقع استرس از نزدیکی آن‌ها احساس آرامش کنیم. موضوع اصلی نظریه دلبستگی این است که سبک دلبستگی در روابط آغازین بین والد-کودک به وجود می‌آید و روابط آینده در زندگی زناشویی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (تیموری آسفیچی و همکاران، ۱۳۹۱). طبق پژوهش پیلاژ، لتویجینگ، فرانس و ویلن^۸ (۲۰۰۵)، در بزرگسالی، افراد با سبک دلبستگی ایمن نسبت به سبک

1. Tornstam, L.
2. Rokach, A.
3. Guttman.
4. Segrin, C., Powell, H. L., Givertz, M., & Brackin, A.
5. Rokach, A., & Philibert-Lignièrès, G.
6. attachment styles.
7. Weiss, R. S.
8. Peilage, S., Lutoijing, F., France, A., & Willen, M.

ناایمن صمیمیت و سازگاری زناشویی بیشتری را گزارش می‌کنند و روابط آن‌ها پایدارتر است (رجبی، جمالی و تقی پور، ۱۳۹۴). در مطالعات برناردون، باب، هاکیم-لارسون و گرج^۱ (۲۰۱۱)، دمی‌رکی-یورز و دمی‌ر^۲ (۲۰۰۹) و دنیز، هامارتا و آرل^۳ (۲۰۰۵)، مشخص شد که افراد با دلبستگی ناایمن در مقایسه با افراد دارای دلبستگی ایمن، احساس تنهایی بیشتری گزارش می‌کنند. برناردون و همکاران (۲۰۱۱)، نشان دادند زمانی که وضعیت خانوادگی و تأهل افراد کنترل می‌شود، احساس تنهایی همبستگی مثبت با دلبستگی ناایمن دارد. در واقع، افراد دارای دلبستگی ایمن به دلیل برخوردار بودن از دوستان نزدیک، اعتماد به نفس، تعادل در روابط اجتماعی و عاشقانه و گشودگی در مورد خود، کمتر از احساس تنهایی رنج می‌برند. در حالی که افراد دارای دلبستگی ناایمن که سطح پایینی از اعتماد به نفس و گشودگی در مورد خود داشته و معمولاً قادر به ایجاد تعادل در روابط اجتماعی و عاشقانه خود و نزدیکی با دیگران نیستند، احساس تنهایی بیشتری را گزارش می‌دهند (ایلهان^۴، ۲۰۱۲). در میان افراد دلبسته ناایمن، افراد دلبسته اجتنابی به دلیل داشتن نگرش مثبت نسبت به خود و نگرش منفی نسبت به دیگران و تأکید بر استقلال و کم‌اهمیت دانستن روابط صمیمی با دیگران، احساس تنهایی کم‌تر و افراد دلبسته اضطرابی به دلیل نگرش منفی نسبت به خود و نگرش مثبت نسبت به دیگران، وابستگی به دیگران و آسیب‌پذیری در مقابل برآورده نشدن نیازهایشان در روابط نزدیک با دیگران، احساس تنهایی بیشتری گزارش می‌کنند (بارتولومئو و هورowitz^۵، ۱۹۹۱). در این راستا، اتوو آکپین^۶ (۲۰۱۱) در پژوهشی نشان دادند که تفاوت معناداری در رضایت زناشویی افراد با سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن وجود دارد و سبک‌های دلبستگی قدرت پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارند. همچنین، تیموری آسفیچی، غلامعلی

1. Bernardon, S., Babb, K. A., Hakim-Larson, J., & Gragg, M.
2. Demirci-Yoraz, A. & Demir, A.
3. Deniz, M. E., Hamarta, E., & Arl, R.
4. Ilhan, T.
5. Bartholomew, K. & Horowitz, L.M.
6. Ottu, I. F. A., & Akpan, U. I.

لواسانی و بخشایش (۱۳۹۱) نیز نشان دادند افرادی که سبک دلبستگی ایمن داشتند، دارای رضایت زناشویی بالاتری نسبت به افرادی با سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بودند. تیموری آسفیچی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود نشان داد که سبک‌های دلبستگی و خود متمایزسازی می‌تواند رضایت زوج‌ها از زندگی مشترک را تحت‌الشعاع قرار دهد. بنابراین علاوه بر سبک‌های دلبستگی عامل دیگری که می‌تواند روابط زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد، خود متمایزسازی^۱ است. خود متمایزسازی از نظربوئن^۲ (۱۹۷۸) به توانایی اشخاص برای تمایز خود از خانواده اصلی‌شان در سطح عاطفی و عقلی اطلاق می‌شود. دو سطح از تمایزیافتگی وجود دارد: درون فردی و بین فردی. در سطح درون فردی، تمایز خود اشاره به توانایی یک فرد برای تشخیص احساسات از افکار و به تفکر منطقی و یا عقلانی اشاره دارد و شامل واکنش‌پذیری هیجانی^۳ (یعنی درجه‌ای که فرد به محرک محیطی با حساسیت بیش از حد یا با تغییرپذیری عاطفی پاسخ می‌دهد) و موقعیت من^۴ (توانایی تعریف واضح حس خود، میزان وفاداری به عقاید شخصی در زمانی که فرد مجبور به انجام خلاف عقاید خود است) می‌باشد. در سطح بین فردی تمایز خود نشان‌دهنده توانایی یک فرد برای بیان دیدگاه خود، ارزش‌ها و محدودیت خود، حفظ استقلال، در عین حفظ روابط نزدیک و معنی‌دار با دیگران است و شامل جدایی هیجانی^۵ (یعنی احساس ترس از صمیمیت و احساس آسیب‌پذیری بیش از حد در ارتباط با دیگران) و درآمیختگی با دیگران^۶ (به معنی درگیری در روابط بیش از حد عاطفی با دیگران) است (لام و چان سو،^۷ ۲۰۱۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند از میزان تمایزیافتگی بیشتری برخوردارند. تیم و کیلی^۸ (۲۰۱۱) در

1. self-differentiation.

2. Bowen.

3. emotional reactivity.

4. I position.

5. emotional cutoff.

6. fusion with others.

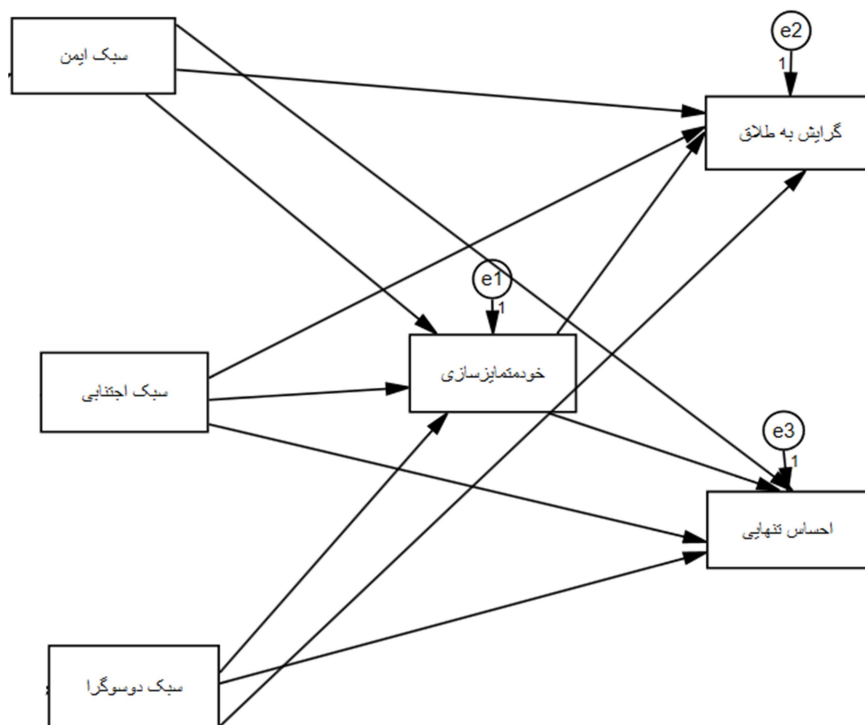
7. Lam, C.M. & Chan-so, C.Y.

8. Timm, T. M., & Keiley, M. K.

تحقیقات خود با هدف بررسی نقش خود متمایزسازی، دلبستگی و رابطه جنسی در رضایت زناشویی و جنسی زوج‌ها دریافتند که دلبستگی از عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی بود اما این موضوع در مورد خود متمایزسازی صادق نبود. همچنین اسکورون و دندی^۱ (۲۰۰۴) نشان دادند که بین سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی روابط معناداری وجود دارد، به طوری که سبک دلبستگی ایمن، تمایز یافتگی بالا و سبک دلبستگی نایمن، تمایز یافتگی پایین را تبیین می‌کرد.

در بحث تأثیر تمایز خود بر روابط زناشویی نیز، تمایز یافتگی عامل اساسی رشد طبیعی عملکرد ارتباطی فرد محسوب می‌شود به گونه‌ای که بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دو سویه را در ازدواج تبیین می‌کند. زوج‌هایی که سطح تمایز یافتگی پایینی داشته باشند، بلوغ هیجانی کم‌تر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت دارند و در روابط عاطفی خود احساس تنهایی بیشتری را تجربه می‌کنند. همچنین افراد با تمایز یافتگی پایین در تعارض‌های زناشویی اضطراب را جذب می‌کنند و واکنش‌های هیجانی یا جدایی هیجانی نشان می‌دهند (گلدنبرگ^۲، ۲۰۰۲؛ به نقل از بیرامی، فهیمی، اکبری و امیری پیچاکلایی، ۱۳۹۱). در تأیید این موضوع، محققان در پژوهش‌های متعدد به ارتباط بین احساس تنهایی و خود متمایزسازی اشاره کرده‌اند (جانکوفسکی و هوپر^۳، ۲۰۱۲؛ جاگودزینسکی^۴، ۲۰۱۰؛ برزوماتو، گینی، مک کیب و دگس وایت^۵، ۲۰۰۹؛ دگس وایت و مایرز^۶، ۲۰۰۶).

1. Skowron, E. A., & Dandy, A. K.
2. Goldenberg.
3. Jankowski, P. J., & Hooper, L. M.
4. Jagodzinski, W.
5. Borzumato-Gainey, C., Kennedy, A., McCabe, B., & Degges-White, S.
6. Degges-White, S., & Myers, J. E.



بنابر مطالب فوق و با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع طلاق، افزایش آمار آن و آسیب‌های همراه با این پدیده مخرب و نیاز به تحقیقات گسترده در زمینه شناسایی عوامل مرتبط و پیش‌بینی‌کننده‌های آن، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی گرایش به طلاق و احساس تنهایی بر اساس سبک‌های دلبستگی با توجه به نقش میانجی‌گری خودمتمایزسازی انجام گرفته است. در این راستا، فرضیه اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه سبک‌های دلبستگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم با واسطه خودمتمایزسازی پیش‌بینی‌کننده گرایش به طلاق و احساس تنهایی در زوجها است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع طرح‌های همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر بود. جامعه پژوهش شامل کلیه زوج‌های متقاضی طلاق بوده‌اند که در بازه زمانی مرداد ماه تا پایان آبان ۱۳۹۵ به شعب ۶ و ۷ و ۸ دادسرای شهرری و شعبه اجرای احکام مراجعه داشتند. از این جامعه که در حدود ۸۰۰ نفر بودند، بر اساس جدول تناسب حجم نمونه با حجم جامعه آماری (میچل و جولی، ۲۰۰۷) نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس و بر اساس معیارهای ورود به پژوهش انتخاب شدند. معیارهای ورود در این تحقیق عبارت‌اند از: سپری کردن حداقل یک سال از زندگی مشترک و داشتن حداقل سطح تحصیلات سیکل. معیارهای خروج عبارتند از: مصرف الکل و مواد روان‌گردان، مصرف داروهای روان‌پزشکی و سابقه بستری در بیمارستان‌های روان‌پزشکی. شرکت‌کنندگان در این پژوهش دارای تحصیلات متوسطه تا دانشگاهی بودند و سن آن‌ها در بازه ۲۵ الی ۴۸ سال (میانگین ۳۳/۸ و انحراف معیار ۵/۳۱) بود.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات

مقیاس میل به طلاق ۲ (DTS): این پرسشنامه اولین بار به وسیله روزات، جانسون^۱ و مورو (۱۹۸۶)، برای ارزیابی زوج‌های مستعد و متمایل به طلاق طراحی شد. این پرسشنامه یک ابزار ۲۸ سوالی است، که دارای ۴ بعد و هر بعد، ۷ سوال دارد. ابعاد این مقیاس شامل بعد تمایل برای خارج شدن (تمایل به طلاق)، بعد تمایل به مسامحه، بعد ابراز احساسات و بعد وفاداری است. هر گویه به وسیله مقیاس درجه‌بندی لیکرتی از ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌های این پرسشنامه با جمع نمرات ماده‌ها به دست می‌آید و نمره بالا حاکی از میزان بالای تمایل به طلاق در

1. Mitchil & Jolly.
2. Divorce Tendency Scale.
3. Rusbult, C. E., Johnson. D. J. & Marrow G.D.

آزمودنی‌هاست. این پرسشنامه توسط داوودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۸۷) در ایران هنجاریابی و بروی ۴۰ زوج اجرا شد. پایایی آن با استفاده از شیوه آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۸۸ و ۰/۸۹ برای زنان و ۰/۸۷ برای مردان) به دست آمد. میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تمایل برای خارج شدن (متمایل به طلاق) ۰/۸۹، بعد تمایل به مسامحه ۰/۷۲، بعد ابراز احساسات ۰/۹۰ و بعد وفاداری ۰/۸۶ بدست آمد. روایی پرسشنامه به صورت بررسی محتوایی توسط پنج متخصص روان‌شناسی و مشاوره بررسی شد.

مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالی^۱ (RAAS): پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز^۲ ورید (۱۹۹۰) مشتمل بر ۱۸ ماده است. سبک دلبستگی آزمودنی‌ها در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه از سه خرده مقیاس سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا (اضطرابی) تشکیل شده است. کولینز ورید (۱۹۹۰) نشان داده‌اند که پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است.

مقیاس احساس تنهایی^۳ (UCLA): جهت سنجش تنهایی از مقیاس تنهایی راسل (۱۹۹۶) استفاده شد که شناخته‌شده‌ترین مقیاس تنهایی است و نسبت به سایر مقیاس‌ها سلامت روان سنجی دارد (هارت شورن^۴، ۱۹۹۳). این مقیاس دارای بیست سوال است که براساس مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای تنظیم شده است. این مقیاس در چهار گروه دانشجویان، معلمان و افراد مسن اجرا شده است و دامنه آلفا^۵ از ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ به دست آمده است (راسل، ۱۹۹۶). در پژوهش احدی (۱۳۸۸)، پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و ۰/۷۹ به دست آمد.

1. Revised Adult Attachment Scale.
2. Collins, N. L., & Read, S. J.
3. University of California Los Angeles Loneliness Scale.
4. Hartshorne, T.S.
5. Alpha range.

پرسشنامه خودمتمایزسازی^۱ (DSI-R): فرم اولیه این پرسشنامه در سال ۱۹۸۸ توسط اسکورن و فراید لندر تهیه شده و در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورن و اسمیت تجدید نظر شد. این پرسشنامه شامل ۴۶ آیتم است که به صورت خودگزارشی و به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود (تمرکز اصلی آن روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است (اسکورن، ۲۰۰۳). این پرسشنامه با مقیاس لیکرت در یک طیف ۶ گزینه‌ای درجه بندی شده است نمره‌گذاری تمام پرسشنامه به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود بجز سوالات ۴-۷-۱۱-۱۵-۱۹-۲۳-۲۷-۳۱-۳۷-۴۳. حداکثر نمره این پرسشنامه برابر با ۲۷۶ است. که از ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری هیجانی، جدایی هیجانی، موقعیت من و درآمیختگی با دیگران تشکیل شده است. نمره کمتر در این پرسشنامه نشانه سطوح پایین تمایز یافتگی است. از نظر پایایی ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده توسط اسکورن و فراید لندر ۰.۸۸٪ است. اسکیان (۱۳۸۴) پرسشنامه پرسشنامه مذکور را روی ۲۶ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان اجرا کرد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۱٪ بدست آمد. یونسی در سال ۱۳۸۵ پرسشنامه مذکور را هنجاریابی کرد و ضریب پایایی آن به روش روای آزمون کرونباخ ۰.۸۵٪ بدست آمد و روایی^۲ محتوایی آن را از روش همسانی درونی ۰/۸۳ به دست آورد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی عوامل سبک دلبستگی، احساس تنهایی، خود متمایزسازی و گرایش به طلاق در جدول ۱ آورده شده است.

1. Differentiation of Self Inventory.
2. validity.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی خرده مقیاس‌های تحقیق

انحراف استاندارد	میانگین	شاخص آماری مقیاس
۴/۱۴	۱۸/۰۴	سبک دلبستگی ایمن
۳/۷۴	۱۶/۹۱	سبک دلبستگی اجتنابی
۳/۶۰	۱۶/۱۷	سبک دلبستگی دوسوگرا
۱۳/۸۱	۳۸/۵۷	احساس تنهایی
۲۹/۱۱	۱۲۵/۵۰	خودمتمایزسازی
۱۹/۸۳	۸۱/۴۲	گرایش به طلاق

در این بخش در پی پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه "آیا مدل تبیین گرایش به طلاق و احساس تنهایی با توجه به نقش میانجی خودمتمایزسازی با داده‌های تجربی برازش دارد؟" از روش تحلیل مسیر بهره برده شده است.

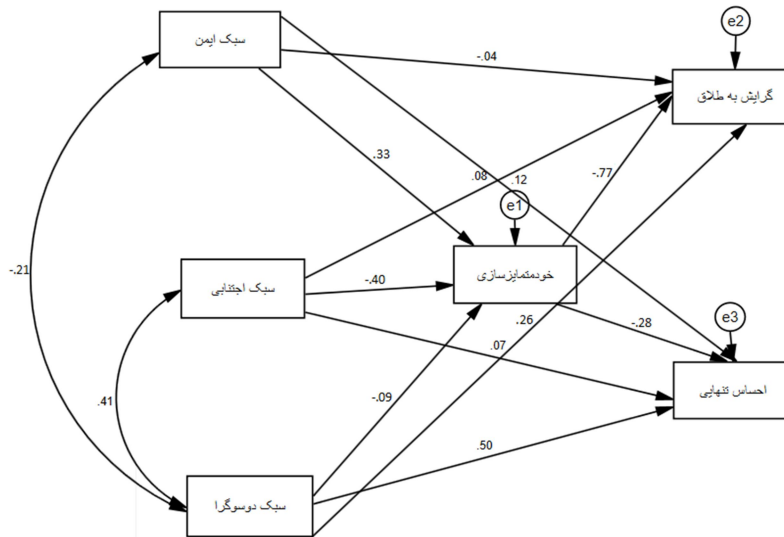
به طور کلی هر یک از شاخص‌های بدست آمده به تنهایی دلیل برازندگی یا عدم برازندگی مدل نیستند و این شاخص‌ها را در کنار هم بایستی تفسیر نمود. مقادیرهای بدست آمده برای شاخص‌های مدل اولیه نشان داد که در مجموع الگودر جهت تبیین و برازش از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و نیاز به اصلاحات دارد.

بر اساس پیشنهاد نرم افزار و پس از ایجاد کوواریانس بین سبک‌های دلبستگی، شاخص‌های برازش مدل از وضعیت مطلوبی برخوردار شده و بنابراین پاسخ به فرضیات پژوهش بلامانع می‌باشد.

جدول ۲. شاخص‌های برازش تحلیل مسیر مدل اصلاحی

شاخص‌های برازش		نام شاخص
حد مجاز	مقدار	
کمتر از ۳	۱/۵۸	$\frac{\chi^2}{df}$
کمتر از ۰/۰۷	۰/۰۷	RMSEA (ریشه میانگین خطای برآورد)
بالاتر از ۰/۹	۰/۹۶	CFI (برازندگی تعدیل یافته)
بالاتر از ۰/۹	۰/۹۶	NFI (برازندگی نرم شده)
بالاتر از ۰/۹	۰/۹۷	GFI (نیکویی برازش)
بالاتر از ۰/۹	۰/۹۴	AGFI (نیکویی برازش تعدیل شده)

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود شاخص‌های برازش مدل پس از اصلاح و ایجاد کوواریانس در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است. در ادامه ضرایب مدل نهایی در شکل ۱ و جدول ۳ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل اصلاحی در حالت ضرایب استاندارد شده

با توجه به اینکه در مدل آزمون شده در شکل ۱، مسیرهای بین متغیرها همان فرضیه‌های پژوهش هستند، در ادامه به همراه جداول اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۳. ضرایب و معناداری اثرات مستقیم و غیرمستقیم

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	β استاندارد شده	آماره معناداری	sig
خودمتمایزسازی	سبک دلبستگی ایمن	مستقیم	۰/۴۲	۰/۳۳	-۴/۹۱	۰/۰۰۱
خودمتمایزسازی	سبک دلبستگی اجتنابی	مستقیم	-۰/۵۴	-۰/۴۰	-۵/۸۷	۰/۰۰۱
خودمتمایزسازی	سبک دلبستگی دوسوگرا	مستقیم	-۰/۱۳	-۰/۰۹	-۱/۰۴	۰/۱۹
گرایش به طلاق	سبک دلبستگی ایمن	مستقیم	-۰/۰۷	-۰/۰۴	-۰/۹۱	۰/۲۴
گرایش به طلاق	سبک دلبستگی اجتنابی	مستقیم	۰/۰۸	۰/۰۸	۱/۱۵	۰/۱۶
گرایش به طلاق	سبک دلبستگی دوسوگرا	مستقیم	۰/۲۶	۰/۲۶	۳/۱۲	۰/۰۰۱
احساس تنهایی	سبک دلبستگی ایمن	مستقیم	۰/۱۴	۰/۱۲	۱/۵۳	۰/۰۹
احساس تنهایی	سبک دلبستگی اجتنابی	مستقیم	۰/۰۹	۰/۰۷	۱/۰۸	۰/۲۱
احساس تنهایی	سبک دلبستگی دوسوگرا	مستقیم	۰/۵۳	۰/۵۰	۸/۷۴	۰/۰۰۱
احساس تنهایی	خودمتمایزسازی	مستقیم	-۰/۳۲	-۰/۲۸	-۳/۹۷	۰/۰۰۱
گرایش به طلاق	خودمتمایزسازی	مستقیم	-۰/۸۰	-۰/۷۷	-۱۷/۲۲	۰/۰۰۱

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	β استاندارد شده	آماره معناداری	sig
گرایش به طلاق	سبک دلبستگی ایمن	غیر مستقیم	-۰/۳۱	-۰/۲۵	-۳/۴۸	۰/۰۰۱
گرایش به طلاق	سبک دلبستگی اجتنابی	غیر مستقیم	۰/۳۶	۰/۳۱	۴/۹۹	۰/۰۰۱
گرایش به طلاق	سبک دلبستگی دوسوگرا	غیر مستقیم	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۹۵	۰/۳۰
احساس تنهایی	سبک دلبستگی ایمن	غیر مستقیم	-۰/۱۳	-۰/۰۹	-۱/۴۸	۰/۱۷
احساس تنهایی	سبک دلبستگی اجتنابی	غیر مستقیم	۰/۱۹	۰/۱۲	۱/۹۹	۰/۰۴
احساس تنهایی	سبک دلبستگی دوسوگرا	غیر مستقیم	۰/۱۰	۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۸۹

آنچه از نتایج جدول فوق برمی‌آید این است که مقیاس‌های سبک دلبستگی ایمن و نایمن اثر مستقیمی بر خودمتمایزسازی داشته‌اند. رابطه خودمتمایزسازی با گرایش به طلاق و احساس تنهایی به صورت منفی مستقیم معنادار بوده و است. اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی بر گرایش به طلاق به واسطه خودمتمایزسازی معنادار بوده است ($p < 0.05$). همچنین اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی اجتنابی بر احساس تنهایی به واسطه خودمتمایزسازی معنادار بوده است ($p < 0.05$). اثر مستقیم سبک دوسوگرا بر احساس تنهایی و گرایش به طلاق نیز معنادار بوده است ($p < 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی گرایش به طلاق و احساس تنهایی بر اساس سبک‌های دلبستگی با توجه به نقش میانجی‌گری خودمتمایزسازی بود. یافته‌های

مطالعه حاضر نشان داد سبک‌های دلبستگی با احساس تنهایی و گرایش به طلاق رابطه دارد. به عبارتی نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن با گرایش به طلاق، رابطه منفی و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با گرایش به طلاق، رابطه مثبت دارد. این یافته‌ها همراستا با پژوهش‌های قبلی از جمله اتو و آپین (۲۰۱۱)، اسکرین (۲۰۱۴)، کیمز (۲۰۱۵)، خوش لهجه صدق و صلیبی (۱۳۹۴)، تیموری آسفیچی و همکاران (۱۳۹۱) و شکرکن و همکاران (۱۳۸۵) می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت سطوح بالای رضایت زناشویی هنگامی روی می‌دهد که هر دو همسر سبک دلبستگی ایمن دارند. زوج‌هایی با سبک دلبستگی ایمن دارای بالاترین سطوح اعتماد به نفس، سطوح بالای کیفیت ایمن رفتارها، توافق قوی در نادیده گرفتن رفتارهای مخل صمیمیت و سطوح پایین تعارض رابطه هستند. الگوهای سالم مربوط به دلبستگی از طریق حساس و پاسخگو بودن همسر، به تسهیل ارتباطات عاطفی و محافظت از استرس غیر ضروری، ترویج سلامت و رفاه و کیفیت رابطه می‌انجامد (بترسون، ۱۹۹۲؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۱۰). در مقابل، الکساندر، فینی، هوهاس و نولر^۱، (۲۰۰۱) دریافت زوج‌هایی که هر دو دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا هستند، عملکرد بسیار ضعیفی داشته و درگیر تعارض بالایی بر سر قدرت و آشفتگی‌های هیجانی می‌شوند. افراد اجتنابی بیشتر احساس سوء تفاهم کرده و به دنبال آن مطالبه‌کننده و تهدیدکننده می‌شوند و در گستره نیازهای همسرشان بیشتر به علایق خودشان تأکید و توجه دارند. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی با اثرات مزمن شدیدی بر کیفیت ارتباط مانند بی‌اعتمادی، عدم علاقه به همسر و ضعف شدید و مداوم پیوند بین زوج‌ها همراه است. به طور کلی به نظر می‌رسد که دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) با گزارشات مبنی بر رفتار کمتر رضایت بخش همسر ارتباط داشته باشد (فینی، ۲۰۰۱). همچنین یافته‌های پژوهش حاکی از این بود که بین سبک‌های دلبستگی و احساس تنهایی رابطه وجود دارد به

1. Mikulincer, M., & Shaver, P. R.

2. Alexander, R., Feeney, J., Hohaus, L., & Noller, P.

طوری که افراد با دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) در مقایسه با افراد دارای دلبستگی ایمن، احساس تنهایی بیشتری گزارش می‌کردند. این یافته با نتایج مطالعات برناردون، باب، هاکیم - لارسون و گرج (۲۰۱۱)، سکی - یورز و دمیر^۱ (۲۰۰۹) و دنیز، هامارتا و آرل^۲ (۲۰۰۵) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان عنوان کرد که افراد دارای دلبستگی ایمن به دلیل برخوردار بودن از دوستان نزدیک، اعتماد به نفس، تعادل در روابط اجتماعی و عاشقانه و گشودگی در مورد خود، کمتر از احساس تنهایی رنج می‌برند. در حالی که افراد دارای دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) که سطح پایینی از اعتماد به نفس و گشودگی در مورد خود داشته و معمولاً قادر به ایجاد تعادل در روابط اجتماعی و عاشقانه خود و نزدیکی با دیگران نیستند، احساس تنهایی بیشتری را گزارش می‌دهند (ایلهان^۳، ۲۰۱۲). در میان افراد دلبسته نایمن، افراد دلبسته اجتنابی به دلیل داشتن نگرش مثبت نسبت به خود و نگرش منفی نسبت به دیگران و تأکید بر استقلال و کم‌اهمیت دانستن روابط صمیمی با دیگران، احساس تنهایی کم‌تر و افراد دلبسته دوسوگرا به دلیل داشتن نگرش منفی نسبت به خود و نگرش مثبت نسبت به دیگران، وابستگی به دیگران و آسیب‌پذیری در مقابل برآورده نشدن نیازهایشان در روابط نزدیک با دیگران، احساس تنهایی بیشتری گزارش می‌کنند (بارتولومئو و هورowitz^۴، ۱۹۹۱).

در رابطه با ارتباط بین خود متمایزسازی با احساس تنهایی و گرایش به طلاق، نتایج حاکی از آن بود که خود متمایزسازی پایین با احساس تنهایی و گرایش به طلاق رابطه مثبت و معنادار دارد. این یافته همراستا با پژوهش‌های قبلی از جمله لوهان و گوپتا (۲۰۱۶) و مالزتنوا و همکاران (۲۰۱۵)، تیموری آسفیچی و همکاران (۱۳۹۱)، آریامنش (۱۳۹۰)، طالبی و غباری بناب (۱۳۹۲)، می‌باشد. در تبیین این نتایج می‌توان بیان داشت از آنجایی که افراد با تمایزیافتگی بالا از جایگاه من بالایی برخوردارند، در روابط

1. Yoraz, A. & Demir, A.
2. Deniz, M. E., Hamarta, E., & Arl, R.
3. Ilhan, T.
4. Bartholomew, K. & Horowitz, L.M.

عاطفی شدید و یا در تعارضات خانوادگی می‌توانند از خودشان محافظت کرده و حس وجودی خود را حفظ کنند و به این ترتیب کمتر دچار تعارضات روزمره خانوادگی شوند. زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی داشته باشند، زمانی که ازدواج می‌کنند انتظار می‌رود بلوغ عاطفی کمتری را دارا بوده و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. این مسئله نیازمند این است که هر دو نفر برای پایداری ازدواج رشد و خود رهبری شان را قربانی نکنند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایز یافته همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش پذیرتر و رابطه صمیمانه‌تری را باهم داشته باشند و عقاید متفاوت یکدیگر را تحمل و واکنش عاطفی کمتری را تجربه کنند و برای مشکلات کمتر در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ می‌کنند (آریامنش، ۱۳۹۰).

در زمینه نقش خود متمایزسازی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با احساس تنهایی و گرایش به طلاق، یافته‌ها بیانگر آن بود که خود متمایزسازی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با احساس تنهایی و گرایش به طلاق، نقش میانجی دارد. در یک نگاه جزئی‌تر، در وهله اول خود متمایزسازی نقش واسطه‌ای در پیش‌بینی گرایش به طلاق و احساس تنهایی دارد. این یافته با نتایج پژوهش چانگ و چوی (۲۰۱۴) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افرادی که واکنش‌پذیری هیجانی بیشتری دارند به محرک محیطی با حساسیت بیش از حد یا با تغییرپذیری عاطفی پاسخ می‌دهند و در تنظیم هیجانات و مهارت‌کانش‌ها، موفقیت کمتری داشته و انعطاف‌پذیری پایین‌تری نشان می‌دهند که این امر به اختلال در روابط میان فردی آن‌ها منجر شده و احساس تنهایی را افزایش می‌دهد. افرادی که از جدایی هیجانی استفاده می‌کنند منکر اهمیت ارتباط صمیمانه با افراد مهم زندگی و دیگران می‌شوند و به این ترتیب بیشتر احساس تنهایی می‌نمایند. از سویی افرادی که گرایش بیشتری به سمت احساس ناامیدی و ناکامی داشته و جوانب منفی روابط زناشویی را بزرگ‌تر و بدتر از آنچه هست نشان می‌دهند و این امر ممکن است با سطوح پایین بهزیستی در زندگی مشترک

در ارتباط می‌باشد. از طرفی، افرادی که از موقعیت من مناسب بی‌بهره اند خود را انسانی مستقل با باورها و عواطف مخصوص به خود نمی‌دانند و این امر موجب می‌شود نتوانند به عقاید شخصی در زمانی که با عقاید دیگران متفاوت است وفادار بمانند. این افراد در سطح بین فردی برای حفظ دیدگاه، ارزش‌ها، محدودیت‌ها و استقلال خود به مشکل مواجه می‌شوند و نمی‌توانند روابط نزدیک و صمیمانه با دیگران به ویژه شریک زندگی خود داشته باشد (تیموری آسفچی، ۱۳۸۸).

همچنین، یافته‌ها نشان داد خود متمایزسازی نقش واسطه‌ای در پیش‌بینی گرایش به طلاق از طریق سبک‌های دلبستگی دارد. این بدان معناست که سبک‌های دلبستگی به واسطه خود متمایزسازی قادر به پیش‌بینی گرایش به طلاق است. این یافته همراستا با پژوهش‌های قبلی از جمله مامی و عسگری (۱۳۹۳) می‌باشد که نقش تمایزیافتگی خود و سبک‌های دلبستگی را در پیش‌بینی طلاق عاطفی مورد بررسی قرار داد. در توضیح این مطلب لازم به ذکر است که سبک‌های دلبستگی با خود متمایزسازی رابطه دارد. در واقع، بین تمایزیافتگی بالا و دلبستگی ایمن نیز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته‌ها همراستا با پژوهش‌های قبلی از جمله اسکورن و دندی (۲۰۰۴)، ریسر (۲۰۱۲)، تیموری آسفچی و همکاران (۱۳۹۱) و بیرامی و همکاران (۱۳۹۱) می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افراد دارای سبک دلبستگی ایمن به دلیل داشتن نگرش مثبت نسبت به خود و دیگران، اعتماد به نفس و تعادل در روابط اجتماعی از موقعیت من مناسبی برخوردارند و می‌توانند در برخورد با دیگران ضمن حفظ عقاید شخصی و بهره‌گیری از نکات مثبت عقاید دیگران، روابط نزدیک و معناداری با دیگران داشته باشند. چنین افرادی کمتر در روابط خود دچار واکنش‌پذیری، جدایی هیجانی و درآمیختگی با دیگران شده و از توان تنظیم هیجانات و انعطاف‌پذیری خوبی برخوردارند. افراد دلبسته اجتنابی و دوسوگرا، سطح پایینی از اعتماد به نفس و گشودگی در مورد خود داشته و معمولاً قادر به ایجاد تعادل در روابط اجتماعی و عاشقانه خود و نزدیکی با دیگران نیستند، در تنظیم هیجانات با مشکل روبرو هستند، از این‌رو از موقعیت من

مناسبتی برخوردار نبوده و در روابط میان فردی بیشتر دچار واکنش‌پذیری و جدایی هیجانی و نیز در آمیختگی با دیگران می‌شوند. در مجموع از مشخصه‌های افراد با سطح تمایز یافتگی بالا، داشتن اعتماد به نفس و برقراری روابط صمیمانه با دیگران و تنظیم فاصله فیزیکی - روانی مناسب با آن‌ها است که همین ویژگی در افراد با سبک دلبستگی ایمن نیز وجود دارد. در مقابل افراد با تمایز یافتگی پائین کسانی هستند که دارای اعتماد به نفس پائین، اضطراب و مشکلات هیجانی هستند و همین خصیصه‌ها در افراد با سبک دلبستگی ایمن ناایمن نیز وجود دارد و این امر ادامه زندگی مشترک را با دشواری مواجه می‌کند و در مواردی تمایل به طلاق را در زوج‌ها افزایش می‌دهد. این مساله بویژه هنگامی که فرد دارای تمایز یافتگی پایینی باشد پررنگ‌تر جلوه می‌کند، و احتمال گرایش به طلاق را در فرد افزایش می‌دهد.

در مجموع، یافته‌های این تحقیق بیانگر آن بود که خود متمایزسازی در رابطه با سبک‌های دلبستگی با احساس تنهایی و گرایش به طلاق نقش واسطه‌ای کامل را ایفا می‌کند. این یافته‌ها دارای مضامین نظری و کاربردی خاصی بوده و به لحاظ نظری با توجه به بدیع بودن مدل پیشنهادی، موجبات بسط مدل‌های موجود را فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبرو بود از جمله اینکه برای جمع‌آوری اطلاعات همکاری مناسبی از سوی مراجع برای دسترسی به شرکت‌کننده‌گان انجام نمی‌شد همچنین با توجه به اینکه شرکت‌کننده‌گان در شرایط مناسب روحی قرار نداشتند مدت زمان مناسبی را جهت پر کردن پرسشنامه‌ها صرف نمی‌کردند و این ممکن است بر روی نتایج پژوهش تاثیرگذار باشد. همچنین استفاده از سایر روش‌های سنجش نظیر سنجش کیفی می‌تواند به غنای تحقیق بیفزاید. در نهایت گروه نمونه در پژوهش حاضر از بین زوج‌های متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادسرای شهری و شعبه اجرای احکام که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند؛ لذا در تعمیم نتایج آن به زوج‌های مناطق دیگر باید با احتیاط عمل کرد.

در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت خود متمایزسازی در پیش‌بینی موفقیت یا شکست زندگی زناشویی، مشاوران خانواده و ازدواج با تدارک دیدن برنامه‌هایی به منظور ارتقای خود متمایزسازی زوج‌ها، به کاهش احساس تنهایی، فراهم آوردن فضایی مطمئن در زندگی زناشویی و رشد دلبستگی ایمن اقدام نمایند. به این ترتیب می‌توان از بسیاری از اختلافات و تعارضات در زندگی زناشویی کاسته و میل به طلاق را در زوج‌ها کاهش داد. همچنین، اجرای پژوهش در حجم نمونه وسیع‌تر و در مناطق دیگر بر قابلیت تعمیم بیشتر نتایج خواهد افزود.

منابع

- امان‌الهی، ع.، کریم‌زاده نگاری، ع.، اصلانی، خ. (۱۳۹۴). نقش تعدیل‌کننده ذهن‌آگاهی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه و کیفیت زناشویی. *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۴(۵۳)، ۲۶-۴.
- امانی، ا.، یوسفی، ن.، احمدی، س. (۱۳۹۲). اثربخشی معنادرمانی به شیوه گروهی بر تاب‌آوری و احساس تنهایی دانشجویان دختر دارای نشانگان ضربه عشق. *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۳(۴۹)، ۸۱-۱۰۳.
- آریامنش، ص. (۱۳۹۰). مقایسه تمایز یافتگی بین زوجین رضایت‌مند و زوجین دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمزگان، دانشکده علوم انسانی، گروه مشاوره و راهنمایی.
- بیرامی، م.، فهیمی، ص.، اکبری، ا.، امیری پیچاکالایی، ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۴(۱)، ۶۴-۷۷.
- پاتو، م.، حقیقت، ف.، حسن‌آبادی، ح. (۱۳۹۱). نقش کیفیت ارتباط زوجین در پیش‌بینی احساس تنهایی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳(۴)، ۵۴۳-۵۶۳.
- پاکدامن، ش. (۱۳۸۱). بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- پاکدامن، ش. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- تیموری آسفیچی، ع. (۱۳۸۸). *رابطه بین سبک‌های دلبستگی و خود متمایزسازی با رضایت زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

- تیموری آسفیچی، ع.، غلامعلی لواسانی، م.، بخشایش، ع. (۱۳۹۱). پیش بینی رضایت زناشویی براساس سبک های دلبستگی و خودمتمایزسازی. *خانواده پژوهی*، ۸(۳۲)، ۴۴۱-۴۶۳.
- خسروی، م.، صباحی، پ.؛ ناظری، ا. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی در کاهش احساس تنهایی و افسردگی زنان مطلقه. *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۲۱(۱۱۲)، ۱-۱۱.
- خوش لهجه صدق، م.، صلیبی، ژ. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک های دلبستگی و سلامت عمومی با رضایت مندی زناشویی در کارکنان زن متاهل دانشگاه تربیت مدرس. *جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۶(۱)، ۷۵-۱۰۷.
- داوودی، ز.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر رویکرد راه حل محور بر کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق شهر اصفهان. *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۳)، ۱۲۱-۱۳۴.
- رجبی، غ.، جمالی، ا.، تقی پور، م. (۱۳۹۴). رابطه بین سبک دلبستگی ایمن، خود-تمایز یافتگی (موقعیت من) و رضایت زناشویی با میانجی گری خوش بینی زوج ها. *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش های مشاوره*، ۱۴(۵۶)، ۴۶-۶۷.
- شکرکن، ح.، خجسته مهر، ر.، عطاری، ی.، ع.، حقیقی، ج.، شهنی بیلاق، م. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان پیش بین های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۱۱(۱)، ۱-۳۰.
- مامی، ش.، عسگری، م. (۱۳۹۳). نقش تمایز یافتگی خود و سبک های دلبستگی در پیش بینی طلاق عاطفی، همایش منطقه ای آسیب شناسی پدیده طلاق، سقز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز.
- Alexander, R., Feeney, J., Hohaus, L., & Noller, P. (2001). Attachment style and coping resources as predictors of coping strategies in the transition to parenthood personal relationships, *Personal Relationships*, 8 (2), 137-152.
- Ali, K. Q. (2011), Win the battle of loneliness: nurses role. *manager's Journal*, 1(1), 32-37.
- Bartholomew, K & Horowitz, L.M. (1991), Attachment styles among young adults: A test of a four category model, *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-224.
- Bernardon, S., Babb, K. A., Hakim-Larson, J., and Gragg, M. (2011), Loneliness, attachment, and the perception and use of social support in university students. *Canadian Journal of Behavioral Science*, 43 (1), 40 -51.
- Biadisy-Ashkar, A., & Peleg, O. (2013). The relationship between differentiation of self and satisfaction with life amongst Israeli women: A cross cultural perspective. *Health*, 5(09), 1467-1477.
- Borzumato-Gainey, C., Kennedy, A., McCabe, B., & DeggesWhite, S. (2009). Life Satisfaction, Self-Esteem, and Subjective Age in Women Across the Life

- Span. *Adultspan Journal*, 8(1), 29-42.
- Bugay, A. (2007), Loneliness and Life Satisfaction of Turkish University Students. Paper presented at 4th Education in a Changing Environment Conference, the University of Salford, UK, September.
 - Chung, K., & Choi, E. (2014). Attachment styles and mother's well-being among mothers of preschool children in Korea: The mediating role of marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 69 (1), 135-139.
 - Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
 - De Jong Gierveld, J., and Kamphuis, F. (1985), The development of a Rasch-type Loneliness Scale. *Applied Psychological Measurement*, 9, 289-299.
 - Degges-White, S., & Myers, J. E. (2006). Women at Midlife: An Exploration of chronological age, Subjective age. *Adultspan Journal*, 5(2), 67-80.
 - Demirci-Yoraz, A. ve Demir, A. (2009), Cinsiyetin, bağlanma tipinin ve aile yapısının üniversite öğrencilerinin yalnızlık düzeyleri üzerindeki rolü. 10. Ulusal Psikolojik Danışma ve Rehberlik Kongresi'nde sunulan bildiri, Adana.
 - Deniz, M. E., Hamarta, E., and arı, R. (2005), An investigation of social skills and loneliness levels of university students with respect to their attachment styles in a sample of Turkish students. *Social Behavior and Personality*, 33 (1), 19-32.
 - Feeney, J. A. (2003). The systemic nature of couple relationships: An attachment perspective. psycnet.apa.org.
 - Feeney, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 281-291.
 - Hartshorne, T.S. (1993). Psychometric properties and confirmatory factor analysis of the UCLA Loneliness Scale, *Journal of Personality Assessment*, 61 (1), 182-195.
 - Ilhan, T. (2012), Loneliness among university students: Predictive Power of Sex Roles and Attachment Styles on Loneliness. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 2387-2396.
 - Jagodzinski, W. (2010). Economic, social, and cultural determinants of life satisfaction: Are there differences between Asia and Europe? *Social Indicators Research*, 97(1), 85-104.
 - Jankowski, P. J., & Hooper, L. M. (2012). Differentiation of self: A validation study of the Bowen theory construct. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 1(3), 226-243.
 - Kimmes, J. G., Durtschi, J. A., Clifford, C. E., Knapp, D. J. and Fincham, F. D. (2015), The Role of Pessimistic Attributions in the Association Between Anxious Attachment and Relationship Satisfaction. *Interdisciplinary Journal of Applied Family*. 64, 547-562.

- Lam, C.M. and Chan-so,C.Y. (2015), Validation of the Chinese version of differentiation of self inventory(C-DSI). *Journal of Marital and Family Therapy*,41,86-101.
- Lohan, A. and Gupta, R. (2016), Relationship between Differentiation of Self and Marital Adjustment in Indian Couples. *Journal of Psychosocial Research*. 11(1), 139-146.
- Małżeństwa, S. Z., wartościowaniu, K. W. and kobiet, U. (2015), Marital satisfaction and value crisis among women. Mediating role of the differentiation of self. *Psychological Rozwojowa*. 20(3), 63-75.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2010). Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change. The University of Michigan: Guilford Press.
- Mitchil, M. L, & Jolly, J. M.)2007). Research design explained)6thED). Thomson wadsworth, USA.
- Mucaj, A. and Xeka, S. (2015), Divorce and psycho - social effects on adolescents in albania. *European Scientific Journal*.11(4), 371-377.
- Ottu, I. F. A., and Akpan, U. I. (2011), Predicting marital satisfaction from the attachment styles and gender of a culturally and religiously homogenous population. *Gender Behavior*, 9(1), 3656-3679.
- Reser, G. (2012), *Assessing the Relationship between Adult Attachment and Differentiation of Self to Coparental Divorce Adjustment*. (Unpublished doctoral dissertation).Northcentral University.
- Rokach, A. (2004), Loneliness then and now. Reflections on social and emotional alienation in everyday life. *Current Psychology*, 23 (1)24- 40.
- Rokach, A., & Philibert-Lignières, G. (2015). Intimacy, loneliness & infidelity. *Open Psychol J*, 8 (1), 71-77.
- Rusbult, C. E., Johnson. D. J. & Marrow G.D. (1986). Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements. *J Soc Psychol*, 4(3), 84-168.
- Scheeren, P., Vieira, R.V., Goulart, V. R. and Wagner, A. (2014), Marital Quality and Attachment: The Mediator Role of Conflict Resolution Styles. *Paidéia may-aug*, 24(58), 177-186.
- Segrin, C; Powell, H. L; Givertz, M; and Brackin, A. (2003), Symptoms of depression, relational quality, and loneliness in dating relationships. *Personal Relationships*, 10, 25-36.
- Skowron, E. A., and Dandy,A. K. (2004), Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*,26, 337-357.
- Timm, T. M., & Keiley, M. K. (2011). The effects of differentiation of self, adult attachment, and sexual communication on sexual and marital satisfaction: A path analysis. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 37(3), 206-223.

- Tornstam, L. (1992), Loneliness in marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, 9, 197-217.
- Weiss, R. S. (1973), Loneliness: The experience of emotion and social isolation. Cambridge: MIT Press.
- Woodward, J. C., Zabel, J., & DeCosta, C. (1981). Loneliness and divorce. *Journal of Divorce*, 4(1), 73-82.